



مقدمه

روسیه بازی پیچیده، پر ابهام و احتمالاً پر خطری را در سوریه دنبال می‌کند. تلاش برای رسیدن به یک توافق با امریکایی‌ها از یک سو و هم‌زمان با آن گسترش سطح همکاری نظامی با ایران از سوی دیگر در کنار تعامل هم‌زمان با ترکیه، کردها، اسرائیل و حتی عربستان سعودی، سیاستی است که ممکن است برای آینده‌ای طولانی مدت امکان تداوم آن وجود نداشته باشد.

تاکنون یکی از مهمترین امتیازات روسیه در بحران سوریه، امکان تعامل با طرف‌های مختلف درگیر در این بحران بوده است. روس‌ها با استفاده از این امتیاز دو فرایند را به طور هم‌زمان با موفقیت کم و بیش نسبی به پیش برده‌اند؛ در عرصه نظامی آنها موفق شده‌اند با همکاری نزدیک جمهوری اسلامی ایران، شرایط و موازنه قدرت میدانی را تا حدودی به نفع دولت اسد تغییر دهند و در عرصه سیاسی نیز از طریق تعامل مستقیم با امریکا موفق شده‌اند گام به گام گفتگوهای صلح را تا مرحله برقراری آتش‌بس به پیش ببرند. با فرض اینکه در شرایط موجود هیچ

چشم‌اندازی برای پیوند میان این دو روند و شکل‌گیری یک همکاری سه جانبه میان ایران، روسیه و امریکا با محوریت روسیه وجود ندارد، و با فرض اینکه دیر یا زود روسیه ناگزیر خواهد شد یکی از این دو روند را بر دیگری ترجیح دهد، در این صورت این پرسش که چه عناصری بر این انتخاب تأثیر خواهند گذاشت، برای جمهوری اسلامی ایران می‌تواند حائز اهمیت باشد. به عبارت دیگر، چنانچه روسیه در مقطعی در فرایند بحران سوریه ناگزیر به انتخاب استراتژیک میان یکی از این دو روند شود، در این صورت انتخاب استراتژیک روسیه چگونه رقم زده خواهد شد؟

اولویت‌های روسیه در بحران سوریه

به طور مشخص روس‌ها در سوریه دو هدف اصلی و دو هدف جانبی را دنبال می‌کنند. اهداف اصلی روسیه شامل تضمین منافع استراتژیک این کشور در سوریه از یک سو و رفع تهدید افراط‌گرایی و تروریسم از سوی دیگر می‌شود، اما اهداف جانبی روسیه که نسبت به اهداف اصلی متأخرتر هستند، در بر گیرنده دو موضوع هویتی و پرستیژی است. از یک سو روسیه

در مقابل، اگر امریکایی‌ها حاضر به دادن امتیاز مؤثری به روسیه در سوریه نباشند، روس‌ها باید مسیر بسیار طولانی‌تر و پرهزینه‌تری را برای رسیدن به اهداف خود طی نمایند. این موضوع اخیر وضعیت است که روسیه به هیچوجه علاقه‌ای ندارد در آن گرفتار شود. در چارچوب گزینه یا احتمال دوم (یعنی عدم تعامل امریکا و عدم تمایل این کشور به دادن امتیاز به روسیه) همکاری نظامی با ایران بدون تردید مهمترین انتخاب پیش‌روی روسیه خواهد بود. با این حال، به دلیل هزینه‌های زیاد وضعیت دوم، همکاری با برخی از بازیگران منطقه‌ای مانند ترکیه و عربستان نیز بیش از گذشته در دستور کار این کشور قرار خواهد گرفت. به عبارت دیگر، روس‌ها تلاش خواهند کرد تا از طریق استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای پیامدهای منفی عدم تعامل امریکا را کاهش دهند.

در شرایط موجود روسیه به دنبال آن نیست که به اهداف چهارگانه خود از طریق تقابل با امریکا دست پیدا کند به همین دلیل بیش از توجه به قدرت نظامی به قدرت دیپلماسی خود امید بسته است. در مقابل به نظر می‌رسد که امریکایی‌ها علی‌رغم نمایش تعاملی با روسیه در بحران سوریه، به دو دلیل تمایلی به دادن امتیاز به این کشور ندارند. اول اینکه دولت اوباما در روزهای پایانی خود احتمالاً دستاورد چندانی در این مسئله برای خود نمی‌بیند و دوم اینکه، ممکن است برای امریکایی‌ها انداختن روسیه در یک مسیر پرهزینه و طولانی، بیش از حل و فصل بحران سوریه اهمیت داشته باشد. فراز و نشیب‌های موجود در روند مذاکرات امریکا و روسیه در مورد سوریه نیز احتمالاً از این مسئله نشأت می‌گیرد.

بر این اساس، این احتمال وجود دارد که روسیه برای جلوگیری از تطویل و تعمیق حضور نظامی خود

به دنبال آن است که موضوع سوریه را به موضوعی برای احیای موقعیت بین‌المللی روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ جهانی و هم‌پایه امریکا که می‌تواند نقش مؤثری در مدیریت بحران‌های جهانی ایفا کند، تبدیل نماید و از سوی دیگر روسیه به دنبال تبدیل موضوع سوریه به موضوعی جهت احیای موقعیت این کشور در خاورمیانه است. نکته حائز اهمیت در این زمینه این است که در شرایط موجود روسیه نمی‌تواند هیچ یک از این اهداف را نادیده گرفته یا مورد کم توجهی قرار دهد. به همین دلیل، ترجیح روسیه این است مدیریت بحران سوریه به گونه‌ای رقم بخورد که به تمامی این اهداف حتی به صورت حداقلی دست پیدا کند.

روسیه به منظور دستیابی به این اهداف بر روی تمامی امکانات خود از نیروی نظامی گرفته تا تعامل با تمامی بازیگران مؤثر در بحران سوریه حساب باز کرده است. در این شرایط آنچه که بیش از هر عامل دیگری بر سیاست روسیه و نوع انتخاب این کشور در سوریه تأثیرگذار خواهد بود در وهله نخست نحوه تعامل امریکا با این کشور است. مهمترین دلیل این مسئله این است که تنها از طریق تعامل سازنده با امریکا است که روسیه قادر خواهد بود به تمامی اهداف خود در سوریه -هرچند به شکل حداقلی- دست پیدا کند. چنانچه امریکا در توافقات دو جانبه، حفظ منافع روسیه در سوریه را تضمین نماید و حداقل امتیازات را برای روسیه قائل شود، در این صورت روسیه هم به منافع مادی خود دست پیدا خواهد کرد و هم شناسایی امریکا را در مود اهداف فرعی خود به دست خواهد آورد. در بهترین حالت دستاوردهای روسیه در این چارچوب همان‌گونه که ذکر شد حداقلی خواهد بود.



۳ رفتار پرخطر روسیه در سوریه

در بحران سوریه، با کسب حداقل امتیازات آمادگی تعامل بیشتری از خود نشان دهد. در غیر این صورت باید به انتظار نشست تا دولت جدید در امریکا اولویت‌ها و سیاست‌های خود را در قبال حضور نظامی روسیه در سوریه به نمایش بگذارد.